# پرتوی از سیره و سیمای امام حسن مجتبی علیه السلام

محمد تیجانی سماوی

بسم الله الرحمن الرحیم

# پرتوی از سیره و سیمای امام حسن مجتبی (ع)


نویسنده:

محمد تیجانی سماوی



ناشر چاپی:

محمد تیجانی سماوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# پرتوی از سیره و سیمای امام حسن مجتبی (ع)

## مشخصات کتاب

نویسنده : محمد تیجانی سماوی

ناشر : محمد تیجانی سماوی

## مقدمه

امام حسن (علیه السلام)، اوّلین فرزند امام علی و فاطمه زهرا (علیهما السلام)، در نیمه ماه رمضان سال دوم یا سوم هجری در شهر مدینه به دنیا آمد و بعد از شهادت امام علی (علیه السلام) شش ماه حکومت کرد و در سال پنجاه هجری، به وسیله زهری که همسرش جعده به دستور معاویه به او خوراند، در ۴۸ سالگی به شهادت رسید.

مزار شریفش در قبرستان بقیع، در کنار سه امام معصوم دیگر، زیارتگاه خیل شیفتگان آن حضرت است.

جلال الدین سیوطی در کتاب «تاریخ الخلفاء» می نویسد: «امام حسن در سال سوّم هجرت به دنیا آمد و شبیه ترین شخص به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بود، در روز هفتم تولّدش، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گوسفندی را برای او عقیقه کرد و موی سرش را تراشید و هم وزن آن را نقره صدقه داد.

او یکی از پنج نفر اهل کساء است.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: پروردگارا! من او را دوست می دارم پس او را دوست داشته باش.

و فرمود: حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت اند.

ابن عبّاس گفت: حسن بر دوش پیامبر سوار بود، شخصی به آن حضرت گفت: ای پسر! خوب مرکبی را سوار شده ای! پیامبر فرمود: بلکه او خوب راکبی است.»امام مجتبی (علیه السلام) شخصیّتی آرام، با وقار، متین، بخشنده و مورد توجّه مردم بود.

به فقیران و بینوایان رسیدگی می نمود و بیش از حدّ در خواست آنها به آنان کمک می کرد تا زندگی شان تأمین گردد، زیرا روا نمی دید که سائلی بیش از یک بار از او چیزی بخواهد که موجب شرمساری اش شود.

او در طول عمرش دو بار تمام ثروت و دارایی خویش را در راه خدا بخشید و سه بار تمام اموال خود را وقف کرد، نیمی از آن را برای خود و نیمِ دیگر آن را در راه خدا بخشش نمود.

امام مجتبی (علیه السلام)، فردی شجاع، دلیر و مبارز بود و در جنگهایی که در رکاب پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) می جنگید در خطّ مقدّم حرکت می کرد.

او در جنگ جمل و صفیّن از مبارزان پرتلاش لشکر آن حضرت بود.

## روزگار امامت آن حضرت

امام حسن (علیه السلام) مسئولیت امامت و رهبری را در جوّی مضطرب و ناآرام، در وضعی بسیار پیچیده و پر کشاکش که در پایان زندگانی پدر بزرگوارش امام علی (علیه السلام) بروز کرده و شعله ور شده بود، به عهده گرفت.

در نتیجه وضع نابسامان مردمی که امام با آنان روبه رو بود تنها این راه باقی ماند که یا وارد جنگی بی حاصل و یأس آور شود، او و جماعتش به شهادت رسند، یا پس از سپری شدن مدّتی مواضع خود را مسجّل گرداند و صلحی را که به صلاح ملّت است بر جنگ

بی ثمر ترجیح دهد.

و این امری طبیعی است که جنگی که مردم به آن به دید شکّ می نگرند، بی نتیجه و یأس آور خواهد بود.

نشانه های تاریخی بسیاری وجود دارد که به تأکید بیان می کند امام حسن (علیه السلام) موضع خود را به خوبی درک می کرد و می دانست که مبارزه او با معاویه، با وجود شکّ و تردیدی که در توده های مردم وجود دارد، محال است به پیروزی برسد.

کار طرفداران امام (علیه السلام) به حدّ خیانت رسید و از روی طمع به سوی معاویه گرایش یافتند و به دلیل پول و مقام و آسایشی که برای آنان فراهم آورد، روی به سوی او نمودند.

زعمای کوفه کار را به جایی رساندند که به معاویه نوشتند: هر وقت بخواهد امام (علیه السلام) را دست بسته نزدش می فرستند! و چون به امام می رسیدند به او اظهار اطاعت و ارادت می نمودند و می گفتند: «تو جانشین پدرت و وصیّ او هستی و ما سراپا در مقابل تو مطیع و فرمان برداریم، هر فرمان که داری بفرمای!» امام به آنها می گفت: «به خدا قسم، دروغ می گویید، به خدا سوگند شما به کسی که بهتر از من بود وفا نکردید، پس چگونه به من وفا می کنید؟ و چگونه به شما اطمینان کنم؟ اگر راست می گویید، اردوگاه مدائن، میعادگاه و قرارگاه ما باشد، به آنجا بروید.»امام به مدائن رفت، امّا بیشتر سپاهیان، او را رها کردند.

حال آیا امام مجتبی (علیه السلام) با چنین مردمی می توانست با معاویه بجنگد؟ هرگز.

بنابراین، امام حسن (علیه السلام) به خاطر نداشتن نیروی کافیِ مطمئن، ناچار به پذیرش صلحِ تحمیلی شد.

## مواد صلحنامه

مادّه اوّل: واگذاشتن حکومت به معاویه به این شرط که به کتاب خدا و سنّت فرستاده او (صلی الله علیه وآله وسلم) و به سیره خلفای صالح، عمل کند.

مادّه دوم: پس از معاویه، امر حکومت بر عهده حسن است و اگر برای او حادثه ای روی داد حکومت از آنِ حسین است و معاویه نمی تواند آن را به عهده دیگری بگذارد.

مادّه سوم: باید سبّ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و بد گفتن از او بر منابر ترک شود و از علی (علیه السلام) جز به نیکی یاد نکنند.

مادّه چهارم: باید آنچه در بیت المال کوفه قرار دارد، یعنی پنج میلیون درهم یا دینار، استثنا بشود و تابع خلافت و حکومت نباشد، و بر عهده معاویه است که هر سال دو میلیون درهم برای حسین بفرستد و در عطا و صلات، بنی هاشم را بر بنی عبدشمس برتری دهد و میان فرزندان کسانی که در رکاب امیرالمؤمنین در جنگ جمل جنگیدند و فرزندان کسانی که در صفّین در خدمت امام علی (علیه السلام) مجاهدت کردند، یک میلیون درهم تقسیم شود و این مبلغ را از خراج ولایت «دارابگرد»، که یکی از شهرهای فارس در حدود اهواز است، بپردازد.

مادّه پنجم: مردم هر جا بر روی زمین خدا باشند، چه در شام و عراق چه در حجاز و یمن، باید ایمن باشند و سیاه و سرخ باید در امان بمانند، معاویه باید خطاهای آنان را تحمّل کند و ببخشاید و هیچ کس را به جرم گذشته کیفر ندهد و با اهل عراق با کینه و دشمنی رفتار نکند.

و یاران علی (علیه السلام) را در هر کجا باشند امان دهد و به هیچ یک از شیعیان علی (علیه السلام) آسیبی نرساند، یاران و شیعیان علی (علیه السلام) از حیث جان و مال و زن و فرزند در امان و از هر گزندی محفوظ باشند، و هیچ کس متعرّض هیچ یک از آنان نشود، و هر صاحب حقّی به حقّش برسد و هر چه یاران علی در هر کجا به دست آورده اند برای آنان محفوظ بماند، و برای حسن بن علی و برادرش حسین (علیه السلام) و هیچ یک از اهل بیت رسول اللّه در نهان و آشکار هیچ بدی نخواهند و در امنیّت آنان، در

هیچ منطق های، اخلال نکنند.

برنامه و صلح امام حسن (علیه السلام)، چهره واقعی معاویه را آشکار ساخت و ماهیّت او را به مردم نشان داد.

به طوری که معاویه بعد از قبضه نمودن حکومت در یک سخنرانی گفت:«به خدا سوگند من با شما برای این نجنگیدم که نماز بگزارید و روزه بدارید و حجّ به جا آورید و زکات بپردازید، بلکه به این منظور با شما جنگیدم که به شما فرمان دهم! و همانا این مقام را خدا به من عطا کرده در حالی که شما ناخشنود بودید.

هان! من حسن را امیدوار کردم، چیزهایی را به او دادم و اکنون همه آنها زیر پای من است و به هیچ شرطی وفا نمی کنم!»سیاست معاویه در طول بیست سال حکومتِ سرکوب و زور این بود که پیوسته برنامه ای تنظیم کند که وجدان و اراده امّت را از میان ببرد و مردم را از اندیشیدن درباره مسائل بزرگ جامعه منصرف سازد، تا تنها در اندیشه گرفتاری های کوچک روزانه خود باشند و از هدف هایی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در پی آن بود منصرف شوند و تنها به زندگانی و منافع شخصی خویش بیندیشند و به وجوهی که از بیت المال به دست می آورند فکر کنند.

برخی از شیوخ قبایل کوفه، با وجود این که از شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند، از جاسوسان معاویه شدند و خبرها را در باب کوچکترین حرکت یا مخالفت مردان قبیله، گزارش می دادند آن گاه مأموران دولتی سر می رسیدند و کسانی را که خلاف معاویه چیزی گفته بودند یا حرکتی در سر می پروراندند دستگیر می کردند و نَفَس مخالفان را می بریدند.

و این گونه، خلافت بازیچه ای شده بود در دست کودکان بنی امیّه.

معاویه به خوبی می فهمید که امام (علیه السلام) صاحب مکتب و هدف است و ناچار برای اجرای رسالت خود از هیچ کوششی خودداری نمی کند و همه سعی خود را در راه اعتلای مکتب و روشهای دگرگونسازی امّت به کار می برد، از این رو، احساس خطر می کرد، تا آن که سرانجام، نقشه کشتن امام را طرّاحی نمود و آن حضرت را با سمّی مهلک، به وسیله «جعده» همسر امام، به شهادت رساند.

ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبیّین» می نویسد: «معاویه می خواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد و در انجام این منظور، هیچ کس برای او مزاحمتر از حسن بن علی و سعد بن ابی وقّاص نبود، بدین جهت هر دو را با وسایل مخفی مسموم کرد.» و نیز همین نویسنده می گوید: «چون خواستند حسن بن علی را به خاک بسپارند، عایشه بر استری نشست و بنی امیّه و بنی مروان و هر کس از یاوران و سپاهشان را که در آنجا بود به کمک برداشت و اینجا بود که گوینده ای گفت: یک روز بر استر و یک روز بر شتر.»سبط ابن جوزی به سند خود از طبقات ابن سعد و او از واقدی روایت کرده: حسن بن علی در هنگام احتضار گفت: مرا در کنار جدّم رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دفن کنید، امویان و مروان حکم و سعید بن العاص ـ که والی مدینه بود ـ به پاخاستند و نگذاشتند.

ابن سعد مؤلّف کتاب طبقات می گوید: یکی از مخالفان، عایشه بود که گفت: «هیچ کس نباید در کنار رسول خدا دفن شود!»سرانجام، جنازه حسن بن علی را از آنجا به قبرستان بقیع بردند و در کنار قبر جدّه اش فاطمه بنت اسد به خاک سپردند.

در کتاب «الإصابه» از واقدی نقل شده که آن روز جمعیت آن چنان انبوه بود که اگر در بقیع سوزنی می افکندند بر سر انسانی می افتاد و به زمین نمی رسید.

سَلامٌ عَلیه یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ اسْتُشْهِدَ وَ یَوْمَ یُبْعَثُ حَیّاً.

از میان سخنان پربهای امام مجتبی (علیه السلام)، چهل حدیث برگزیده را که هر کدام گشاینده بابی از کرامت و اخلاق انسانی به روی حقیقت جویان است، به اهل مطالعه تقدیم می دارم.

## چهل حدیث

## اشاره

قالَ الْإمامُ الْمُجْتَبی (علیه السلام):

## نصیحت از سر اخلاص

«أَیُّهَا النّاسُ إِنَّهُ مَنْ نَصَحَ لِلّهِ وَ أَخَذَ قَوْلَهُ دَلیلًا هُدِیَ لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ وَ وَفَقَّهُ اللّهُ لِلرَّشادِ وَ سَدَّدَهُ لِلْحُسْنی فَإِنَّ جارَاللّهِ آمِنٌ مَحْفُوظٌ وَ عَدُوَّهُ خائِفٌ مَخْذُولٌ، فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللّهِ بِکَثْرَهِٔ الذِّکْرِ.»

هان ای مردم! کسی که برای خدا نصیحت کند و کلام خدا را راهنمای خود گیرد، به راهی پایدار رهنمون شود و خداوند او را به رشد و هدایت موفّق سازد و به نیکویی استوار گرداند، زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن خدا ترسان و بی یاور است و با ذکر بسیار خود را از [معصیت خدای] بپایید.

## شناخت هدایت

«وَ اعْلَمُوا عِلْمًا یَقینًا أَنَّکُمْ لَنْ تَعْرِفُوا التُّقی حَتّی تَعْرِفُوا صِفَهَٔ الْهُدی، وَ لَنْ تُمَسِّکُوا بِمیثاقِ الْکِتابِ حَتّی تَعْرِفُوا الَّذی نَبَذَهُ وَ لَنْ تَتْلُوَا الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ حَتّی تَعْرِفُوا الَّذی حَرَّفَهُ، فَإِذا عَرَفْتُمْ ذلِکَ عَرَفْتُمُ الْبِدَعَ وَ التَّکَلُّفَ وَ رَأَیْتُمُ الْفِرْیَهَٔ عَلَی اللّهِ وَ التَّحْریفَ وَ رَأَیْتُمْ کَیْفَ یَهْوی مَنْ یَهْوی.»

به یقین بدانید که شما هرگز تقوا را نشناسید تا آن که صفت هدایت را بشناسید، و هرگز به پیمان قرآن تمسّک پیدا نمی کنید تا کسانی را که دورش انداختند بشناسید، و هرگز قرآن را چنان که شایسته تلاوت است تلاوت نمی کنید تا آنها را که تحریفش کردند بشناسید، هر گاه این را شناختید بدعتها و بر خود بستن ها را خواهید شناخت و دروغ بر خدا و تحریف را خواهید دانست و خواهید دید که آن که اهل هوی است چگونه سقوط خواهد کرد.

## فاصله میان حق و باطل

«بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْباطِلِ أَرْبَعُ أَصابِعَ، ما رَأَیْتَ بِعَیْنَیْکَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنَیْکَ باطِلًا کَثیرًا.»

بین حقّ و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی حقّ است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.

## آزادی و اختیار انسان

«مَنْ أَحالَ الْمَعاصِیَ عَلَی اللّهِ فَقَدْ فَجَرَ، إِنَّ اللّهَ لَمْ یُطَعْ مَکْرُوهًا وَ لَمْ یُعْصَ مَغْلُوبًا وَ لَمْ یُهْمِلِ الْعِبادَ سُدًی مِنَ الْمَمْلَکَهِٔ، بَلْ هُوَ الْمالِکُ لِما مَلَّکَهُمْ وَ القادِرُ عَلی ما عَلَیْهِ أَقْدَرَهُمْ، بَلْ أَمَرَهُمْ تَخْییرًا وَ نَهاهُمْ تَحْذیرًا.»

هر که گناهان را به خداوند نسبت دهد، به تحقیق، فاجر و نابکار است. خداوند به زور اطاعت نشود، و در نافرمانی مغلوب نگردد، او بندگان را مهمل و سرِخود در مملکت وجود رها نکرده، بلکه او مالک هر آنچه آنها را داده و قادر بر آنچه آنان را توانا کرده است می باشد، آنان را فرمان داده تا به اختیار خودشان آن را بپذیرند و نهیشان نموده تا به اختیار خود بر حذر باشند.

## زهد و حلم و درستی

«قیـلَ لَهُ (علیه السـلام) مَـا الزُّهْـدُ؟ قالَ: أَلرَّغْبَـةُ فِی التَّقْوی وَ الزَّهادَةُ فِی الـدُّنْیا. قیل: فَمَا الْحِلْمُ؟ قالَ کَظْمُ الْغَیْظِ وَ مَلْکُ النَّفْسِ. قیلَ مَا السَّدادُ؟ قالَ: دَفْعُ الْمُنْکَرِ بِالْمَعْرُوفِ.»
از حضـرت امام حسن مجتبی (علیه السـلام) پرسـیده شـد که زهـد چیست؟ فرمود: رغبت به تقوا و بی رغبتی در دنیا. سؤال شد حلم چیست؟ فرمود: فرو بردن خشم و تسلّط بر نفس. سؤال شد سداد و درستی چیست؟ فرمود: برطرف نمودن زشتی به وسیله خوبی.

## تقوا

«أَلتَّقْوی بابُ کُلِّ تَوْبَهٔ وَ رَأْسُ کُلِّ حِکْمَهٔ وَ شَرَفُ کُلِّ عَمَل بِالتَّقْوی فازَ مَنْ فازَ مِنَ الْمُتَّقینَ.»
تقوا و پرهیزکاری سـرآغاز هر توبه ای، و سـرّ هر حکمتی، و شرف و بزرگی هر عملی است، و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است.

## خلیفه به حق

«إِنَّما الْخَلیفَةُ مَنْ سارَ بِسیرَهِٔ رَسُولِ اللّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) وَ عَمِلَ بِطاعَهِٔ اللّهِ وَ لَعَمْری إِنّا لَاَعْلامُ الْهُدی وَ مَنارُ التُّقی.»
خلافت فقط از آنِ کسـی است که به روش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برود، و به طاعتِ خدا عمل کند، و به جان خودم سوگند که ما اهل بیت نشانه های هدایت و جلوه های پرفروغ پرهیزگاری هستیم.

## حقیقت کرم و دنائت

«قیلَ لَهُ (علیه السـلام): مَا الْکَرَمُ؟قالَ: أَلْإِبْتِـداءُ بِالْعَطِیَّهِٔ قَبْلَ الْمَسْأَلَـهِٔ وَ إِطْعامُ الطَّعامِ فِی الْمَحَلِّ. قیلَ فَمَا الدَّنیئَـةُ؟ قالَ: أَلنَّظَرُ فِی الْیَسیرِ وَ مَنْعُ الْحَقیرِ.»
از امام مجتبی سؤال شد: کرم چیست؟ فرمود: آغاز به بخشـش نمودن پیش از درخواست نمودن و اطعام نمودن در وقت ضرورت و قحطی. سؤال شد: دنائت و پستی چیست؟ فرمود: کوچک بینی و دریغ از اندک.

## مشورت مایه رشد و هدایت

«ما تَشاوَرَ قَوْمٌ إِلاّ هُدُوا إِلی رُشْدِهِمْ.»
هیچ قومی با همدیگر مشورت نکنند، مگر آن که به رشد و کمالشان هدایت شوند.

## لئامت و پستی

«أَللُّؤْمُ أَنْ لا تَشْکُرَ النِّعْمَةَ.»
پستی آن است که شکر نعمت را نکنی.

## بدتر از ننگ و زبونی

«أَلْعارُ أَهْوَنُ مِنَ النّارِ.»
ننگ و زبونی بهتر از دوزخ رفتن است.

## رفیق شناسی

«قالَ الْحَسَن (علیه السلام) لِبَعْضِ وُلْدِهِ: یا بُنَیَّ لا تُواخِ أَحَدًا حَتّی تَعْرِفَ مَوارِدَهُ وَ مَصادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضیتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلی إِقالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُواساةِ فِی الْعُسْرَةِ.»

امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرم! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می رود و کجاها می آید، و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد.

## کار با توکل

«لا تُجاهِدِ الطَّلَبَ جِهادَ الْغالِبِ وَ لا تَتَّکِلْ عَلَی الْقَدَرِ إِتِّکالَ الْمُسْتَسْلَم.»

چون شخص پیروز در طلب مکوش، و چون انسان تسلیم شده به قَدَر اعتماد مکن [بلکه با تلاش پیگیر و اعتماد و توکّل به خداوند، کار کن].

## خویشاوند و بیگانه واقعی

«أَلْقَریبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَ الْبَعیدُ مَنْ باعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ قَرُبَ نَسَبُهُ.»

خویشاوند کسی است که دوستی و محبّت، او را نزدیک کرده باشد و اگر چه نژادش دور باشد.

و بیگانه کسی است که از دوستی و محبّت به دور است و گرچه نژادش نزدیک باشد.

## اعتماد به مقدرات الهی

«مَنِ اتَّکَلَ عَلی حُسْنِ الْإِخْتِیارِ مِنَ اللّهِ لَهُ لَمْ یَتَمَنَّ أَنَّهُ فی غَیْرِ الْحالِ الَّتی إِخْتارَهَا اللّهُ لَهُ.»

هر که به نیک گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمی کند در وضعی جز آنچه خدا برایش برگزیده، باشد.

## آثار رفت و آمد در مسجد

«مَنْ أَدامَ الْإِخْتِلافَ إِلَی الْمَسْجِدِ أَصابَ إِحْدی ثَمان:آیَةً مُحْکَمَةً وَ أَخًا مُسْتَفادًا وَ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظِرَةً وَ کَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَی الهُدی أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدًی وَ تَرْکَ الذُّنُوبِ حَیاءً أَوْ خَشْیَةً.»

هر که پیوسته به مسجد رود به یکی از این هشت فایده می رسد:۱ـ نشانه ای استوار (فهم آیات الهی)،۲ـ دوستی قابل استفاده،۳ـ دانشی تازه،۴ـ رحمتی مورد انتظار،۵ـ سخنی که به راه راستش کشد،۶ـ یا سخنی که او را از پستی برهاند،۷ـ و ترک گناهان به خاطر شرم از خدا،۸ـ یا ترک گناهان به خاطر خوف از خدا.

## بهترین چشم و گوش و دل

«إِنَّ أَبْصَرَ الأَبْصارِ ما نَفَذَ فِی الخَیْرِ مَذْهَبُهُ، وَ أَسْمَعُ الاسْماعِ ما وَعَی التَّذْکیرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ، أَسْلَمُ الْقُلُوبِ ما طَهُرَ مِنَ الشُّبُهاتِ.»

همانا بیناترین دیده ها آن است که در طریق خیر نفوذ کند، و شنواترین گوشها آن است که پند و اندرز را در خود فرا گیرد و از آن سود برد، سالمترین دلها آن است که از شبهه ها پاک باشد.

## تزکیه در پرتو عبادت

«إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبادَةَ تَزَکیّ لَها، إِذا أَضَرَّتِ النَّوافِلُ بِالْفَریضَةِ فَارْفَضُوها.»
به راستی هر که عبادت را به خاطر عبادت طلب کند خود را تزکیه نموده است. هر گاه مستحبّات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.

## عاقل خیرخواه

«لا یَغُشُّ الْعاقِلُ مَنِ اسْتَنْصَحَهُ.»
عاقل و خردمند به کسی که از او نصیحت و اندرز خواهد، خیانت نکند.

## ارزش دادن به آثار عبادت

«إِذا لَقِیَ أَحَدُکُمْ أَخاهُ فَلْیُقَبِّلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ.»
هر گاه یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید که محلّ نور پیشانی (یعنی محلّ سجده) او را ببوسد.

## امید و پشتکار

«وَ اعْمَلْ لِدُنْیاکَ کَأَنَّکَ تَعیشُ أَبَدًا، وَ اعْمَلْ لاِخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ غَدًا، وَ إِذا أَرَدْتَ عِزًّا بِلا عَشیرَهْ، وَ هَیْبَهً بِلا سُلْطان فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِیَةِ اللّهِ إِلی عِزِّ طاعَةِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ.»
برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زندگی می کنی، و برای آخرتت به گونه ای کارکن که گویا فردا خواهی مُرد، و اگر عزّتی بدون بستگان و شکوهی بدون سلطنت خواهی، از معصیت و نافرمانی خدا به طاعت و فرمانبری خداوند عزّوجلَّ درآی.

## نشانه های مکارم اخلاق

«مَکارِمُ الاْخْلاقِ عَشَرَةٌ: صِدْقُ اللِّسانِ وَ صِدْقُ الْبَأْسِ وَ إِعْطاءُ السّائِلِ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ وَ الْمُکافاتُ بِالصَّنائِعِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ التَّذَمُّمُ عَلَی الْجارِ، وَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ لِلصّاحِبِ وَ قِرْیُ الضَّیْفِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَیاءُ.»
مکارمو فضائل اخلاق ده چیز است:۱ ـ راستگویی، ۲ ـ راستگویی در وقت سختی و گرفتاری، ۳ ـ بخشش به سائل، ۴ ـ خوش خُلقی، ۵ ـ پاداش در مقابل کارها و ابتکارات، ۶ ـ پیوند با خویشان، ۷ ـ حمایت از همسایه، ۸ ـ حق شناسی درباره دوست و رفیق، ۹ ـ میهمان نوازی، ۱۰ ـ و در رأس همه اینها شرم و حیاست.

## پرهیز از تملق و بدگویی

«قالَ (علیه السلام) لِرَجُل: إِیّاکَ أَنْ تَمْدَحَنِی فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِی مِنْکَ أَوْتُکَذِّبَنِی فَإِنَّهُ لا رَأْیَ لِمَکْذُوب أَوْتَغْتابَ عِنْدِی أَحَدًا.»
امام به شخصی فرمود: مبادا مرا ستایش کنی، زیرا من خود را بهتر می شناسم، یا مرا دروغگو شماری، زیرا دروغگو اندیشه و عقیده [ثابتی] ندارد، یا کسی را نزد من بدگویی نمایی.

## عوامل هلاکت آدمی

هَلاکُ النّاسِ فی ثَلاث: أَلْکِبْرُ، أَلْحِرْصُ، أَلْحَسَدُ.

أَلْکِبْرُ بِهِ هَلاکُالدّینِ وَ بِهِ لُعِنَ إِبْلیسُ.

أَلْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ.

أَلْحَسَدُ رائِدُ السُّوءِ وَ بِهِ قَتَلَ قابیلُ هابیلَ.

هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است:کبر، حرص، حسد.

تکبر که به سبب آن دین از بین می رود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت.

حرص که دشمن جان آدمی است وبه واسطه آن آدم از بهشت خارج شد.

حسد که سررشته بدی است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

## تقوا و تفکر

«أُوصیکُمْ بِتَقْوَی اللّهِ وَ إِدامَةُ التَّفَکُّرِ فَإِنَّ التَّفَکُّرَ أَبُو کُلِّ خَیْرٍ وَ أُمُّهُ.»

شما را به پرهیزگاری و ترس از خدا و ادامه تفکّر و اندیشه سفارش می کنم، زیرا که تفکّر و اندیشه، پدر و مادر تمام خیرات است.

## شستشوی دستها قبل و بعد از غذا

«غَسْلُ الْیَدَیْنِ قَبْلَ الطَّعامِ یُنْفِی الْفَقْرَ وَ بَعْدَهُ یُنْفِی الْهَمَّ.»

شستن دستها پیش از غذا، فقر را از بین می برد و بعد از غذا، غم و اندوه را می زداید.

## دنیا، سرای عمل

«أَلنّاسُ فی دارِ سَهْوٍ وَغَفْلَة یَعْمَلُونَ وَ لا یَعْلَمُون فَإِذا صارُوا إِلی دارِ الْأَخِرَةِ صارُوا إِلی دارِ یَقین یَعْلَمُونَ وَ لا یَعْمَلُونَ.»

مردم در این دنیا در سرای بی خبری و غفلت به سر می برند، کار می کنند و نمی دانند. وقتی که به سرای آخرت رفتند، به خانه یقین می رسند، آن گاه است که می دانند، ولی دیگر کار نمی کنند.

## همراهی با مردم

«صاحِبِ النّاسَ بِمِثْلِ ما تُحِبُّ أَنْ یُصاحِبُوکَ.»

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

## عقاب و ثواب مضاعف

«وَ اللّهِ إِنّی لَأَخافُ أَنْ یُضاعَفَ لِلْعاصی مِنّا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ وَ أَرْجُوا أَنْ یُؤْتِیَ الْمحْسِنَ مِنّا أَجْرَهُ مَرَّتَیْنِ.»

به خدا قسم من ترس از آن دارم که عذاب گناهکاران از ما اهل بیت دو چندان گردد، و امید آن را دارم که نیکوکار از ما اهل بیت نیز پاداشش دو برابر باشد.

## نقش عقل، همت و دین

«لا أدَبَ لِمَنْ لا عَقْلَ لَهُ، وَ لا مُرُوَّةَ لِمَنْ لاهِمَّةَ لَهُ، وَ لا حَیاءَ لِمَنْ لا دینَ لَهُ.»

کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همّت ندارد، جوانمردی ندارد و کسی که دین ندارد، حیا ندارد.

## تعلیم و تعلم

«عَلِّم النّاسَ عِلْمَکَ وَ تَعَلَّمْ عِلْمَ غَیْرِکَ.»

مردم را با دانشت، دانش بیاموز و خود نیز دانش دیگران را فراگیر.

## روی آوردن به چه کسی؟

«لا تَأْتِ رَجُلًا إلاّ أنْ تَرْجُوَ نَوالَهُ أوْ تَخافَ بَأْسَهُ أوْ تَسْتَفیدَ مِنْ عِلْمِهِ أوْ تَرْجُوَ بَرَکَتَهُ وَ دُعائَهُ أوْ تَصِلَ رَحِمًا بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ.»

نزد کسی مرو، مگر آن که به بخشش او امیدوار، یا از قدرتش بیمناک، یا از دانشش بهره مند، یا به برکت و دعایش امیدوار باشی، یا آن که بین تو و او پیوند خویشاوندی ای باشد.

## عقل و جهل

«لا غِنی أَکْبَرُ مِنَ الْعَقْلِ وَ لا فَقْرَ مِثْلُ الْجَهْلِ وَ لا وَحْشَةَ أَشَدُّ مِنَ الْعُجْبِ، وَ لا عَیْشَ أَلَذُّ مِنْ حُسْنِ الْخُلْقِ.»

هیچ بی نیازی ای بزرگتر از عقل و هیچ فقری مانند جهل و هیچ وحشتی سختتر از خودپسندی و هیچ عیشی لذّت بخشتر از خوش اخلاقی نیست.

## علی، دروازه ایمان

«إنَّ عَلِیًّا بابٌ مَنْ دَخَلَهُ کانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ خَرَجَ مِنْهُ کانَ کافِرًا.»

علی (علیه السلام) دروازه ایمان است، هر که داخل آن شد مؤمن و هر که خارج از آن شد کافر است.

## حق اهل بیت

«وَ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لا یَنْتَقِصُ أَحَدٌ مِنْ حَقِّنا إلاّ نَقَصَهُ اللّهُ مِنْ عَمَلِهِ.»

قسم به خدایی که محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) را به حقّ برانگیخت، هیچ کس از حقّ ما اهل بیت چیزی را کم نکند، مگر آن که خداوند از عملش چیزی را کم گرداند.

## اول سلام، آن گاه کلام

«مَنْ بَدَأَ بِالْکَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلا تُجیبُوهُ.»

کسی که پیش از سلام کردن، آغاز به سخن گفتن نماید، جوابش را ندهید!

## نیکی و پرسش

«أَلْشُّرُوعُ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْإعْطاءُ قَبْلَ السُّؤالِ مِنْ أَکْبَرِ السُّؤْدَدِ.»

آغاز نمودن به نیکی و بذل و بخشش، پیش از درخواست نمودن، از بزرگترین شرافتها و بزرگی هاست.

### فراگیری و کتابت دانش

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطیعُوا حِفْظَهُ فَاكْتُبُوهُ وَ ضَعُوهُ فی بُيُوتِكُمْ.»

دانش را فرا گیرید و اگر توانِ حفظ کردنش را ندارید آن را بنویسید و در خانه هایتان بگذارید.

### دعای مستجاب

«أَنَا الضّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجِسْ فی قَلْبِهِ إِلاَّ الرِّضا أنْ يَدْعُوَ اللّهَ فَيُسْتَجابُ لَهُ.»

کسی که در قلبش جز رضا و خشنودی خدا خطور نکند، چون خدا را بخواند، من ضامن اجابت دعای او هستم.

### عبادت و پرستش

«مَنْ عَبَدَ اللّهَ عَبَّدَ اللّهُ لَهُ كُلَّ شَیْء.»

کسی که خدا را اطاعت و عبادت کند، خداوند همه چیز را مطیع او گرداند.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹